محدودیت‌ها و چالش‌ها

نقش وکیل در تحقیقات مقدماتی دادسرا

بهروز جوانمرد*

در نظام دادرسی کیفری ایران مرحله مقدماتی، طبق سیستم تفتیشی انجام می‌شود یعنی تحقیقات محرمانه، مکتوب و سری بوده و دخالت وکیل محدود و موکول به یک شرایطی است. ولی به محض اینکه پرونده از مرحله مقدماتی وارد مرحله محاکمه می‌شود ضوابط سیستم و آیین دادرسی تغییر می‌کند. یعنی از سیستم تفتیشی درمی‌آید و وارد سیستم اتهامی می‌شود که جلسه محاکمه علنی خواهد بود و متهم می‌تواند تعدادی وکیل داشته باشد. به عبارت دیگر شرکت وکیل مدافع در دادرسی‌های جزایی در مرحله تحقیقات مقدماتی اجباری نیست و وکیل فعالیت دفاعی مهمی به عهده ندارد. اما در مرحله دادرسی در بعضی موارد شرکت وکیل اجباری است و باید به صورت موثر دفاع کند. مردم حق دارند به هر نحوی که می‌خواهند از خدمات وکیل در حدود مقرر در قانون استفاده کنند. این حق در اصل ۳۵ قانون اساسی به نحو مطلق و در تمام مراحل به رسمیت شناخته شده است. مع‌الاسف این حق مسلم و تردیدناپذیر از طرف دستگاه قضایی و قوه مقننه (در مجلس پنجم) مورد تعرض و تخدیش قرار گرفت، چه آنکه قوه‌مقننه با تصویب تبصره ذیل ماده ۱۲۸ قانون آیین‌دادرسی کیفری، ورود وکیل به پرونده را منوط به تشخیص قاضی دانست. در زمینه امر مهم دفاع، اصل ۳۵ قانون اساسی می‌گوید: «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم شود.» این اصل به ویژه با توجه به مشروح مذاکرات خبرگان قانون اساسی «اطلاق» دارد و با توجه به اصل تفسیر قانون به سود متهم جایی برای تاویل و تفسیرهایی که حق وکیل را برای متهم محدود کند وجود ندارد. و نیز ماده واحده (قانون انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی) مصوب ۱۳۷۰/۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام ضرورت مداخله وکیل مدافع و تکلیف جامعه به تامین آن در صورت عدم تمکین متهم را فقط در دادگاه‌ها و به هنگام رسیدگی ملحوظ داشته است و در ارتباط با لزوم مداخله وکیل در تحقیقات مقدماتی سکوت کرده است. در عین حال در ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است «متهم می‌تواند یک نفر وکیل همراه خود داشته باشد. وکیل متهم می‌تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام کند.» متاسفانه بر خلاف رسم و عرف قضایی و قانونی، بعضی بازپرسان به ویژه در پرونده‌های خاصی با تفسیر خلاف اصل و عرف، کلمه «می‌تواند» در ابتدای ماده ۱۲۸ را چنین تعبیر می‌کنند که قاضی اختیار دارد به وکیل اجازه حضور در تحقیقات مقدماتی را بدهد یا ندهد و استثنائات امور محرمانه و جرایم علیه امنیت کشور و موجب فساد بودن در تبصره این ماده را- که قاضی طبق آن می‌تواند بدون حضور وکیل تحقیقات را انجام دهد- تبدیل به قاعده و رویه کرده‌اند. هر چند استثنای یاد شده نیز برخلاف اطلاق اصل ۳۵ است و نباید اجازه تضییع حقوق مجرمان داده شود. تشخیص فساد و محرمانه بودن و اینکه جرم امنیتی است یا خیر، لاجرم با بازپرس است. به این ترتیب قاضی دادگاه به سهولت می‌تواند متهم را به ویژه به بهانه وجود فساد از داشتن وکیل مدافع محروم کند. این محرومیت مخصوصاً در جرایم مهم که اقتضای مجازات‌های سنگین از قبیل اعدام، صلب، رجم، قطع، حبس دائم و نظایر آن را دارند و تحقیقات مقدماتی سرنوشت‌ساز بوده و پایه و اساس پرونده‌های کیفری است با هیچ منطقی سازگار نیست. آیا این امر مخالف صریح قانون اساسی و مغایر حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر مذکور در اسناد سازمان ملل متحد نیست؟ بخشنامه رئیس قوه قضائیه درباره احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی که در اواخر مجلس ششم به صورت قانون درآمد و به سرعت توسط شورای نگهبان تصویب شد دربند ۳ خود حق استفاده از وکیل را برای متهمان در کلیه مراحل دادرسی به رسمیت شناخته و استثنای فوق در تبصره ذیل ماده ۱۲۸ ق.ا.ک را نسخ کرده است. (محاکم و دادسراها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی‌عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم کنند.) با این حال در عمل، نقش وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی در حقوق ایران بسیار محدود است. هرچند صرف حضور وکیل خود گاهی در جهت تحکیم حق دفاع متهم محسوب می‌شود. به علاوه در آیین دادرسی کیفری کنونی به فرض حضور وکیل و ارائه لایحه‌ای در پایان تحقیق برای بازپرس همیشه امکان ادامه تحقیقات و استنطاق از متهم در جلسات آینده و بدون حضور وکیل مدافع، در مواردی که متهم در بازداشت به سر می‌برد، وجود دارد و این امر نقض حق دفاع متهم تلقی نمی‌شود. با عنایت به مقررات موجود آیین دادرسی کیفری مشاوره متهم با وکیل خود در جلسه بازپرسی، در صورتی که این امر از دیدگاه بازپرس یا دادیار تحقیق دخالت در امر تحقیق تلقی شود، مجاز نیست. در نظام کیفری ما، به علت اینکه الگوی اختیارات بازپرس نظام قرن نوزدهم فرانسوی بوده است متاسفانه وکیل مدافع به دور از پرونده کیفری باقی می‌ماند و عدم اطلاع وی از محتویات پرونده امکان دفاع از موکل را سلب می‌کند. ممنوعیت مشاوره متهم با وکیل خود در جلسه تحقیق (لااقل به گونه‌ای که در عمل معمول است) با فلسفه حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی مغایرت دارد و عدم حضور متهم در جلسات استماع شهادت شهود، معاینه محل و غیره امکان دفاع موثر را از بین می‌برد. متاسفانه قانونگذار ضمانت اجرایی برای موارد ممانعت دادسرا از حضور وکیل مدافع در جلسات تحقیق از متهم را پیش‌بینی نکرده است. نظر به اینکه چنین ممانعتی بدون تردید از موجبات اضرار به حق دفاع متهم محسوب و مغایر با اصل برائت است، ضرورت مداخله قانونگذار- فراسوی مجازات‌های انتظامی موجود- هر چه بیشتر احساس می‌شود. نگرشی هرچند کوتاه به قوانین کشورهای دیگر در این زمینه، راهی را که در این کشورها به تدریج در زمینه گسترش حقوق وکلای مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی طی شده بر ما مشخص می‌کند. اشاره کردیم که به موجب بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب اردیبهشت ۸۳ اصل الزامی بودن حضور وکیل در کلیه مراحل دادسرا و دادگاه‌ها و حتی تحقیقات مقدماتی پذیرفته شده است، لذا ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره ذیل آن که حضور وکیل را منوط به تشخیص قاضی کرده بود نسخ ضمنی شده است، اما در عمل قضات دادسرا تن به این الزام قانونی نداده‌اند، همچنان بر روال سابق عمل می‌کنند.

قانونگذار در هر کشوری با عنایت به میزان پایبندی وکلا به وظایف حرفه‌ای، برداشت عموم مردم از مفهوم عدالت، تجهیز سازمان قضایی و کانون وکلا و غیره مقررات خاصی را پیش‌بینی کرده است تا ضمن تامین حق دفاع متهم و رعایت اصل برائت، حسن جریان امور کیفری نیز خدشه‌دار نشود.

در جهان امروزی با پیشرفت‌هایی که در اصول دادرسی‌های کیفری به‌وجود آمده است به متهمان اجازه می‌دهند تا در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز از حضور وکیل مدافع بهره‌مند شوند. در بسیاری از کشورهای جهان حتی هنگام تفهیم اتهام، حق داشتن وکیل نیز به وی تفهیم و تذکر داده می‌شود که حق دارد تا حضور وکیل مدافع خود از پاسخ دادن به پرسش‌ها امتناع کند. نظام قضایی در ایران اگر چه مبتنی بر اصول شریعت و فقه اسلامی و به اصطلاح برخی از اساتید؛ نظامی از نوع فقاهتی است، معذلک نمی‌تواند از تجربیات جهانی و استانداردهای بین‌المللی خود را مصون و مبرا بداند به ویژه اینکه اصول حاکمیت قانون که عمده توجه و هدف آن در نظام‌های بشری بر قانون‌مداری و اجرای قوانین استوار است جایگاه ویژه‌ای را برای دستگاه قضایی قائل است و اصولاً نمی‌توان از جامعه مدنی و قانون‌مداری سخن گفت، اما تقویت قوه قضائیه و کارایی آن و استقلال این قوه را نادیده گرفت. در پایان مولفه‌هایی چند از یک نظام دادرسی بین‌المللی استاندارد ذکر می‌شود، تا مورد عنایت تدوین‌کنندگان قوانین کیفری واقع شود:

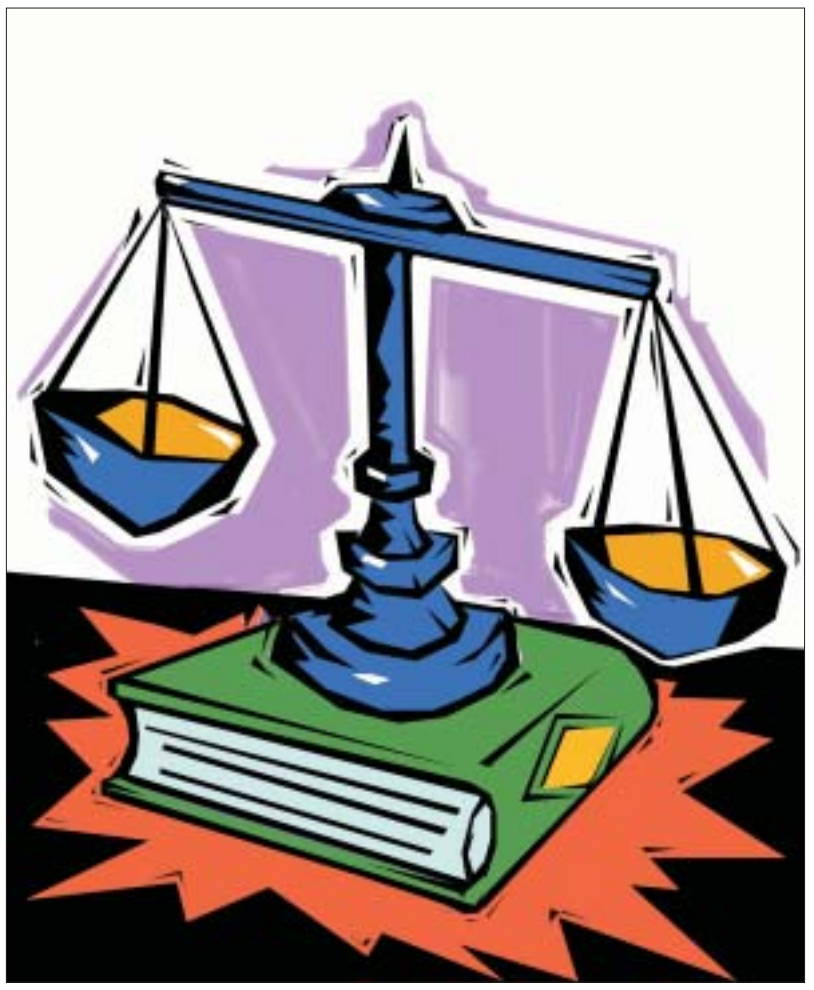

۱- حمایت از حقوق بشر باید در کلیه مراحل دادرسی کیفری تضمین و تامین شود.

۲- متهم باید از اصل برائت در طول رسیدگی به امر کیفری تا وقتی که حکم صادره اعتبار امر مختومه یابد استفاده کند.

۳- در مرحله تحقیقات مقدماتی یعنی قبل از مرحله دادرسی و صدور حکم، برحسب ضرورت‌های ناشی از اصل برائت، باید اصل تناسب که «یک رابطه منطقی است بین اهمیت امری که متهم به آن مجبور می‌شود و با حقوق و آزادی‌های او و معارض است از یک طرف و هدف نهایی تحمیل چنین امری از طرف دیگر» در تصمیماتی که اجبار و الزام متهم را به دنبال دارد، رعایت شود. به همین لحاظ باید قانونگذار پیامدهای بازداشت موقت را که به هر حال یک اقدام کاملاً استثنایی محسوب می شود، پیش‌بینی کند.

۴- باید در مرحله دادگاه بنابر اصل برائت، بی طرفی قاضی نسبت به طرفین دعوی تضمین شود. نتیجه این است که باید در دعوای کیفری امر تعقیب از دادرسی و قضاوت جدا باشد و هیچ‌گاه قاضی محکمه تحقیقات مقدماتی را انجام ندهد.

۵- به دلیل اهمیت اصل برائت باید قاضی قرار بازداشت موقت مستدلاً با توجه به عوامل ویژه صادر شود. نگه داشتن متهم در بازداشت موقت بدون وجود قرائن کافی مطلقاً ممنوع است و اگر مدت آن از حداقل مجازات عمل ارتکابی فراتر رود، غیرقانونی است.

۶- باید هر تصمیمی که توسط مقام صلاحیت‌دار اتخاذ می‌شود، حتی اقدامات مامورین پلیس که با حقوق اساسی فرد ارتباط دارد، مورد تایید قاضی و با نظارت او باشد.

۷- کلیه دلایلی که با نقض حقوق اساسی افراد تحصیل شده باشد، باطل و بلااثر است و نمی تواند به هنگام دادرسی مورد ارزشیابی قرار گیرد.

۸- در تحصیل دلایل استفاده از وسایلی که مربوط به روابط خصوصی افراد می شود، مثل استماع مکالمات تلفنی وقتی پذیرفته است که قانونگذار صراحتاً اجازه داده باشد و قاضی در مورد استفاده از آن قبلاً تصمیم گرفته باشد. باید در مورد نمونه‌برداری ژنتیک و شنود الکترونیکی از راه دور نیز قانونگذار شرایط پذیرش آن را دقیقاً تعیین کرده باشد.

۹- اختصاص دادن مزایا و اولویت‌هایی به شهود یا ماموران مخفی در امر کیفری که بعضی دولت‌ها به آن عمل می کنند، فقط در بعضی پرونده های مربوط به جرایم سازمان‌یافته ارزش دارد.

۱۰- باید در تحصیل دلایل اسرار حرفه ای کاملاً حفظ شود.

۱۱- می‌تواند انتشار بحث و گفت‌وگوهای جلسه دادرسی توسط رادیو- تلویزیون محدود و یا ممنوع شود.

۱۲- باید حق دفاع در کلیه مراحل دادرسی کیفری تضمین شود و هیچ کس مجبور نیست مستقیماً یا به طور غیرمستقیم به محکومیت کیفری خود کمک کند.

۱۳- متهم حق دارد از مضمون اتهام خود از اولین تحقیقات مامورین پلیس یا مرجع قضایی مطلع شود و نباید در مقابل سئوال سکوت اختیار کند و سکوت او علیه خودش دلیل محسوب شود.

۱۴- باید قوه قضائیه از ابتدای تشکیل پرونده برای هر فرد متهم یا محکوم علیه حق داشتن مشاور حقوقی را تضمین کند. این مشاور در صورتی که متهم قدرت مالی نداشته باشد، رایگان است و مخارج آن به عهده دولت خواهد بود.

۱۵- متهم زندانی حق ارتباط با وکیل مدافع خود را به طور خصوصی دارد و باید وکیل او حق داشته باشد که در هر بازجویی از موکل خود، حضور یابد.

۱۶- باید وکیل مدافع بتواند به مدارک پرونده از اولین لحظه اتهام مراجعه کند و قضات دادسرا متوسل به عذر قانونی عناوینی کلی و مبهم چون امنیت کشور، فساد، جنبه محرمانه و . . . - که برداشت‌های سلیقه‌ای گوناگونی را موجب می‌شوند - در مرحله تحقیقات مقدماتی نشوند.

۱۷- هر فردی که معتقد است به حقوق اساسی او در اثنای یک دادرسی زیان وارد شده، باید این امکان را داشته باشد که آن اقدامات را توسط دادگاه حقوق اساسی یا توسط دادگاه عالی یا دیوان بین المللی حقوق بشر کنترل کند.

***دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی**

ترازوی عدالت با دفاع وکیل میزان می‌شود

سید محمود علیزاده طباطبایی*

آئین دادرسی کیفری مانند بسیاری از کشورهای جزء نظام حقوق نوشته، در تحقیقات مقدماتی از سیستم تفتیشی پیروی می‌کند و این سیستم به‌سادگی می‌تواند حقوق و آزادی‌های مردم را مورد تعرض قرار دهد. مواردی مثل اختیارات دادستان در انتخاب قاضی تحقیق، حق تحقیق و رسیدگی مقدماتی در بسیاری از جرایم، محرومیت وکیل از مداخله در جریان تحقیقات مقدماتی، محرومیت وکیل از حضور در جلسات تحقیق آنجا که قاضی تشخیص دهد، عدم پیش‌بینی حق سکوت برای متهم، ضابطه‌مند نبودن بازجویی، بازجویی توسط غیرقاضی، مبهم بودن وضعیت شخص تحت‌نظر در مدت بازداشت، غیرترافعی بودن تحقیقات، عدم‌شناسایی حق مطالعه پرونده توسط وکیل متهم، اختیارات نامحدود در بازداشت متهم، عدم پیش‌بینی صریح قانونی در جبران خسارات مادی و معنوی متهم بی گناه و عدم استقلال بازپرس نسبت به دادستان همگی بیانگر تفتیشی بودن نظام دادرسی جمهوری اسلامی ایران هستند.

■ تحدید حدود تحقیقات مقدماتی

از نظر حقوقدانان، تحقیقات مقدماتی در مقابل تحقیقات نهایی که در جلسه دادگاه صورت می‌گیرد، قرار دارد. ماده ۱۹ قانون آئین‌دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ در تعریف تحقیقات مقدماتی مقرر می‌دارد: «تحقیقات مقدماتی مجموعه اقداماتی است که برای کشف جرم و حفظ آثار و ادله وقوع آن و تعقیب متهم از بدو پیگرد قانونی تا تسلیم به مرجع قضایی صورت می‌گیرد.» حال، اگر متهم در دادسرا حضور نیابد و بازپرس با توجه به ادله موجود در پرونده اقدام به صدور قرار مجرمیت نماید و قرار مجرمیت منجر به صدور کیفرخواست شود و دادگاه هم بدون حضور متهم غیاباً اقدام به صدور رای محکومیت کند آیا می‌توان گفت که تحقیقات مقدماتی به‌درستی انجام شده و خاتمه یافته است؟ آیا اقدامات بعدی اجرای احکام برای دستگیری و اجرای حکم در چنین صورتی، جزء تحقیقات مقدماتی و داخل در تعریف آن نیست؟ با این تعریف تا زمانی که متهم به مرجع قضایی تسلیم نشود، مرحله تحقیقاتی مقدماتی است. به‌نظر می‌رسد تعریف قانونگذار نیاز به اصلاح دارد و تحقیقات مقدماتی پس از صدور کیفرخواست خاتمه می‌یابد و آنچه در دادگاه انجام می‌شود تحقیقات نهایی است. چون براساس بند الف ماده ۳ اصلاحیه قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب: «دادسرا عهده‌دار کشف جرم، تعقیب متهم به جرم، اقامه دعوی از جنبه حق‌الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی، اجرای حکم و . . . می‌باشد.» و به موجب بند «و» ماده ۳ همان قانون: «تحقیقات مقدماتی کلیه جرایم به عهده بازپرس است و در جرایمی که در صلاحیت دادگاه کیفری استان نیست دادستان اختیار انجام و اجرای تحقیقات مقدماتی را دارد.»

■ حقوق طرفین دعوی در تحقیقات مقدماتی

ماده ۹ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، زیان‌دیده از جرم را در صورت مطالبه حق خود، شاکی دانسته است و به استناد ماده ۳ قانون مذکور در جرایمی که فقط جنبه خصوصی دارد با شکایت شاکی خصوصی تعقیب متهم شروع می‌شود و به استناد بند ۲ ماده ۴ همان قانون، شاکی خصوصی حق دارد نسبت به شکایت خود گذشت کند. در جرایمی که در قانون احصاء شده است با گذشت شاکی خصوصی تعقیب متهم و در صورت صدور حکم، اجرای حکم متوقف می‌شود. شاکی می‌تواند شکایت خود را شخصاً اقامه یا توسط وکیل طرح کند (ماده ۶۹ ق ا د د ع ا ک) و به استناد ماده ۷۱ همان قانون قضات ذی‌ربط و ظابطان دادگستری موظفند شکایت کتبی یا شفاهی را همه‌وقت بپذیرند. مقام تعقیب نمی‌تواند شاکی را جلب کند و در صورت عدم حضور شاکی و عدم وجود دلایل کافی در شکایت مطروحه، مقام تعقیب‌کننده براساس محتویات پرونده می‌تواند شکایت را بلادلیل تشخیص داده و آن را رد کند.

■ حقوق متهم در تحقیقات مقدماتی و حق دفاع وی

۱ ـ متهم حق برخورداری از حمایت قضایی توسط دستگاه قضایی بی‌طرف را دارد. مگر اینکه موفقیت شاکی با توجه به نوع جرم اعلام شده مرکب از (شاکی و مطلع) باشد که در این صورت من باب حفظ حقوق عمومی به عنوان مطلع می‌تواند او را احضار و سپس جلب کرد. اگرچه ممکن است تحقیقات مقدماتی منتهی به کشف جرم شود، اما تحقیق برای آن نیست که حتماً منجر به کشف جرم شود و بازپرس نباید تلاش کند که با توقیف متهم یا اقدامات احتیاطی دیگر، حقوق متهم را نادیده انگارد بلکه باید دلایل توجه اتهام را در نظر بگیرد و اگر دلیل توجه اتهام را صحیح دانست، مبادرت به اقدامات احتیاطی کند. اگر هدف فقط کشف جرم باشد از بی طرفی خارج خواهد شد و شایسته عنوان قاضی نخواهد بود. به دلیل بی طرفی بازپرس است که اقرار نزد بازپرس را قانونگذار واجد اثر می‌داند ولی اقرار نزد سایر مامورین رسمی از جمله ضابطین دادگستری را اقرار تلقی نمی‌کند. اگر بازپرس طرف دعوی باشد اقرار نزد او منشاء اثر قانونی نیست و همچنین اگر بازپرس به دنبال کشف جرم باشد و بخواهد از موقعیت خود برای کشف جرم استفاده کند باید از مقام قضاوت تنزل و در جایگاه پلیس قرار و در مقابل متهم قرار گیرد. بازپرس باید براساس ادله اتخاذ تصمیم کند تا به دو کشف برسد: یکی کشف وقوع جرم و گناهکاری متهم و دیگری کشف عدم وقوع جرم و بی گناهی متهم. بازپرس قاضی است و قاضی مسئول حفظ نظم عمومی نیست بلکه داور بین نظم عمومی و متهم است. اگر بازپرس متهم را بازداشت کند تا دلیل علیه او بیابد این اقدامی بی‌طرفانه نیست بلکه زمانی بازپرس مجاز به بازداشت متهم است که دلیل کافی برای توجه اتهام در اختیار داشته باشد. تحقیقات نباید محرمانه باشد و وکیل متهم باید مجاز به مطالعه پرونده در مرحله تحقیقات باشد. باید در پرونده دلایل محکمی علیه متهم باشد تا بتوان قرار بازداشت صادر کرد. اگر اقدامات اولیه برای تحقیق توسط بازپرس انجام شده و دلیلی وجود ندارد و وکیل متهم از اقدامات انجام شده و دلایل موجود که منجر به بازداشت متهم شده بی‌اطلاع بماند، بی‌اطلاعی وکیل متهم، نقض حق دفاع متهم است. حق دفاع توسط وکیل یعنی شخصیتی که قانون صلاحیت علمی و اخلاقی او را مورد شناسایی قرار داده و برای دفاع از حق و عدالت سوگند یاد کرده است اعمال می‌شود. این شخصیت باید به همان میزان مورد اعتماد قانونگذار باشد که بازپرس و قاضی، فلذا نقض غرض است که حق دفاع توسط وکیل را به رسمیت بشناسیم ولی اجازه مطالعه پرونده را به وی ندهیم. ضمناً صرف شکایت مثبت مجرمیت نیست و شکایت صرفاً برای شروع تحقیقات کافی است و بازپرس تا زمانی که ادله کافی و قوی برای اتهام تحصیل نکند، نباید کسی را احضار یا جلب کند.

۲ ـ حق برخورداری از همراهی وکیل از اولین لحظه شروع تحقیقات مقدماتی، از دیگر حقوق مسلم متهم است. بازپرس در موقع انجام تحقیقات، از همکاری‌های ضروری و کامل و در عین حال گاه شدید و سخت دستگاه‌های مجهز پلیسی و امنیتی برخوردار است و به این ترتیب مبارزه‌ای بین دو قوه غیرمتساوی آغاز می‌شود: در یک‌طرف متهم قرار دارد که هیچ سلاحی جز حق دفاع ندارد و در طرف مقابل جامعه قرار می‌گیرد که تمام قوای نیرومند و هول‌انگیز را در اختیار دارد. برای اینکه تا حدی تعادل بین قوای دو طرف تامین شود و فردی که تحت تعقیب است، بتواند به طور موثری به اتهامات وارده پاسخ دهد، دخالت وکیل مدافع ضرورت دارد. باید برای اثبات تحقق جرم میزان دقیق مسئولیت متهم مشخص شود و میزان مسئولیت متهم امری پیچیده و علمی است که بایستی براساس اصول جرم‌شناسی کشف شود. میزان مسئولیت متهم مشخص می‌کند او در هنگام ارتکاب جرم تا چه مقدار از آزادی عمل برخوردار بوده است. هر اقدام انسانی می‌تواند تحت تاثیر عوامل گوناگونی بروز و ظهور پیدا کند که چه بسا این عوامل همه در اختیار او نبوده است. باید بررسی شود یک فرد طبیعی و عادی اگر در شرایط متهم قرار می‌گرفت، چه عکس‌العملی از خود نشان می‌داد. این سنجش بسیار مشکل و شاید غیرممکن باشد زیرا هر فرد انسانی دارای شخصیت خاصی است که قابل مقایسه با افراد دیگر نیست و هر فرد رموز و ابهاماتی دارد که کشف و دسترسی به آنها به سهولت امکان‌پذیر نیست و فقط شخص متهم است که می‌تواند مجرمیت و میزان مسئولیت خود را تشخیص دهد زیرا تنها او است که می‌داند در هنگام ارتکاب عمل تا چه میزان آزادی در اختیار داشته است و از طرفی ریشه و منشاء هر عمل انسانی را باید در مقدمات عمل و کیفیات و اوضاع و احوال که باعث وقوع جرم شده جست‌وجو کرد. وکیل با دانش حقوقی خود می‌تواند مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم لازم است به قاضی اعلام و قسمت‌های تاریک پرونده را با دانش خود روشن کند. زیرا به عقیده اکثریت قریب به اتفاق علمای اجتماعی و مذهبی: «اگر مجرمی تبرئه شود بهتر است تا بی گناهی محکوم گردد.» اساس و پایه حرفه وکالت بر آزادی‌بیان، قدرت استدلال و حکومت ایمان و یقین نهاده شده است.

۳- رعایت امانت و مشروعیت در تحصیل دلیل. وکیل وقتی می‌تواند به روش صحیح از متهم دفاع کند که درک صحیحی از اتهام داشته باشد و برای حصول درک صحیح از اتهام بایستی از نحوه انجام تحقیقات و جمع‌آوری ادله مجرمیت آگاه شود. برای این منظور بایستی جریان تحقیقات مقدماتی قابل اعتماد باشد. اگر ادله مورد استناد بازپرس از راه‌های غیرقانونی به دست آمده باشد وکیل می‌تواند موضوع را تشخیص دهد. قطعاً مکر و فریب برای کشف جرم جایز نیست و بازپرس بایستی در تحصیل دلیل رعایت امانت کند و ادله مورد استناد خود را از راه‌های قانونی و مشروع به دست آورد و تعرض به حقوق مسلم متهم برای تحصیل دلیل، برخلاف اصل برخورداری از مصونیت در خصوص حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص است که به صراحت در قانون اساسی قبول شده است. با عنایت به اصل ۲۵ قانون اساسی که هرگونه تجسس را ممنوع و ضمانت اجرای آن نیز در ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی یک تا سه سال حبس تعیین شده است، دلایل حاصل از تجسس غیرقابل استماع و استناد است. اقتضای دادرسی عادلانه، تحصیل دلیل توام با جلب اعتماد و احترام عمومی است لذا از مجریان عدالت انتظار نمی‌رود به روش‌هایی متوسل شوند که آن را برای دیگران ممنوع کرده‌اند. اصل قانونی بودن دلیل و تحصیل دلیل به وسایل قانونی مورد قبول سیستم قضایی ایران است و دلایلی که به طرق غیرقانونی تحصیل شده باشند، فاقد اعتبار است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، صراحتاً اقرار ناشی از شکنجه را به عنوان نمونه‌ای از ادله تحصیل شده به طرق غیرقانونی، غیر معتبر اعلام نموده است و عدالت اقتضا می‌کند دلیل منتهی به محکومیت کیفری تنها از طریق مشروع و قانونی به دست آید. از یک طرف تحریک متهم می‌تواند موجب سلب اراده و در نتیجه سلب مسئولیت وی شود. روش‌هایی که اراده آزاد انسان را مخدوش کند از مشروعیت برخوردار نخواهد بود و انسان صرفاً مسئول اعمالی است که آزادانه و با اختیار انجام می‌دهد. اینکه پلیس فرصت ارتکاب جرم را فراهم کند و جرم با تحریک مامور اجرای عدالت واقع شود و ماموران درصدد تحصیل دلیل مجرمانه باشند، با اصول دادرسی منصفانه هماهنگ نیست. تشویق و تحریک می‌تواند فردی را که در حال عادی قانونمدار است وادار به ارتکاب جرم کند. مرتکب ممکن است به علت حیله و فریب و اغوای مامور، تمایل به ارتکاب پیدا کند که این گونه عملکرد پلیس غیراخلاقی است. از طرف دیگر اشتباه موضوعی رافع مسئولیت کیفری است و اگر مامور آگاهانه و با اظهارات دروغ این اعتقاد را در متهم ایجاد کند که عمل مزبور ممنوع نیست و عنوان مجرمانه ندارد و منشاء جهل متهم به غیرقانونی بودن موضوع مورد اتهام، فریبکاری مامور باشد، متهم از مسئولیت مبری است. حکومت هدفش پیشگیری از وقوع جرم است و قانون اساسی اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین را از وظایف قوه قضائیه توصیف می‌کند و اندیشه انتقام‌جویی از بزهکار جای خود را به اندیشه اصلاح مجرمین داده است. اگر حکومت خود تحریک به عمل مجرمانه کند، دلیلی که توسط ماموران با روش خدعه و فریب حاصل شود فاقد وجاهت قانونی و ارزش اثباتی است. دلیل کیفری باید فی نفسه مشروعیت داشته باشد و نحوه و تحصیل دلیل نیز دارای وجاهت قانونی باشد وگرنه مغایر با حقوق اساسی متهم و ناقض اصول دادرسی منصفانه است. تبصره ماده ۱۵ قانون آئین دادرسی کیفری گزارش ضابطین را در صورتی معتبر می‌داند که ضابطین موثق و مورد اعتماد قاضی باشند لذا می‌توان گفت که «ضابط مختلف» نمی‌تواند موثق باشد و اعتمادی به وی نیست تا گزارشش معتبر باشد.

۴- حق برخورداری از دادرسی منصفانه و رعایت اصول دادرسی منصفانه در جریان تحقیقات مقدماتی، از حقوق مسلم متهم است و جایی که این اصول مورد خدشه واقع شود متهم می‌تواند به مخدوش بودن تحقیقات مقدماتی استناد و از خود دفاع کند. کافی نیست دادرسی منصفانه باشد بلکه بایستی منصفانه بودن دادرسی ظاهر بوده و توسط متهم احساس شود. متهم بایستی در طول مدت تحقیقات امکان ارتباط با خانواده خود را داشته باشد و کرامت انسانی او رعایت شود. به استناد اصل ۳۲ قانون اساسی باید افراد از هرگونه تعرض و تجاوز یا اعمالی که منافی شئون و حیثیت انسانی آنها است در امان باشند و این پایه و اساس تمام آزادی‌ها است که با فقدان آن سایر آزادی‌های فردی و اجتماعی مفهوم خود را از دست می‌دهند. از دیگر اصول دادرسی منصفانه استقلال دادگاه است. هر متهمی حق دارد در یک دادگاه بی‌طرف و مستقل محاکمه شود. اگر تحقیقات مقدماتی در دستگاه قضایی وابسته به نهادهای سیاسی و امنیتی انجام شود نقض استقلال دستگاه قضایی است. بایستی بازپرس در برابر دادستان نیز مستقل باشد. متهم بایستی مهلت منطقی برای جمع‌آوری ادله بی‌گناهی خود داشته باشد تا بتواند با دسترسی به مستندات مورد ادعای دادستان و شهود وی در مورد ادله و شهود تحقیق دلایل و مدارک خود را در رد ادعای دادستان ارائه دهد و این بررسی‌ها نیاز به دسترسی به ادله و زمان کافی برای جرح شهود و نقض ادله ارائه شده دارد. اصل یکصد و شصت و پنجم قانون اساسی علنی‌بودن محاکمات را اصل قرار داده است و تحقیقات مقدماتی بخشی از محاکمه است. عدم دسترسی متهم و وکیل وی به اسناد و مدارکی که مستند بازپرس برای شروع تحقیقات مقدماتی است مغایر با اصول دادرسی منصفانه است. البته براساس ماده ۱۵۲ قانون آئین دادرسی کیفری تحقیق و بازجویی از شهود و مطلعین قبل از محاکمه غیرعلنی است، ولی غیرعلنی بودن تحقیق از شهود و مطلعین نبایستی بهانه‌ای برای مقام تحقیق جهت ممانعت دسترسی متهم به دلایل و مدارک اتهام شود. متهم بایستی فوراً از اتهام خود و دلایل آن اطلاع پیدا کند، بتواند از شهودی که علیه وی شهادت داده‌اند سئوال و جواب کند، بتواند شهود معارض معرفی کند و نسبت به جرح شهود اقدام کند. گرچه براساس اصول دادرسی، ملکه ادله «اقرار و شهادت» است ولی اقرار در امور کیفری طریقیت دارد نه موضوعیت و دستگاه قضایی مامور به کشف واقع است. به همین دلیل هم اقرار در صورتی مورد قبول است که مقرون به واقع باشد و اقرار مأخوذ با شکنجه از درجه اعتبار ساقط است و نمی‌تواند به عنوان دلیل علیه متهم مطرح شود. امروز ملکه دلایل «نتیجه بررسی‌های علمی و فنی» است و متهم بایستی حق استناد به دلایل علمی و رد دلایل اقامه شده علیه خود را داشته باشد. ادله علمی که می‌تواند مورد استفاده وکیل متهم در رد اتهام باشد از جمله می‌تواند اصول پلیس علمی، انگشت‌نگاری، تشخیص هویت، آسیب‌شناسی، روانشناسی، روانپزشکی پزشکی‌قانونی و حتی شناسایی شخصیت متهم از طریق روانشناسی قضایی برای پی‌بردن به علل ارتکاب جرم و تشخیص میزان مسئولیت متهم باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با به‌رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های فردی و برابری همه در برابر قانون، حمایت قانون از همه افراد، مصونیت از تعرض، ممنوعیت تفتیش عقاید، ممنوعیت استراق سمع، رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات، حق دادخواهی در دادگاه صالح، ممنوعیت توقیف بیش از ۲۴ ساعت، حق انتخاب وکیل، ممنوعیت احضار یا جلب متهم بدون دلیل، ممنوعیت شکنجه، ممنوعیت هتک حرمت متهم و مجرم، ممنوعیت اجبار متهم به اقرار، استقلال قاضی، موجه و مدلل بودن تصمیم قضایی، ممنوعیت اغفال و فریب متهم، لزوم تبعیت قاضی از قانون و جبران زیان ناشی از خطای قاضی، در بیش از ۲۳ اصل از اصول قانون اساسی، از اصل برائت و آثار آن سخن گفته است. عدم رضایت هر یک از این اصول در تحقیقات مقدماتی، نقض اصل برائت و موجب بی‌اعتباری تحقیقات مقدماتی است.

*** وکیل پایه یک دادگستری**

نگاه

حق دفاع در تحقیقات مقدماتی

حمیدرضا سلمانیان*

افراد با زندگی در اجتماع قسمت عمده حقوق و آزادی‌های خویش را از دست داده و توافق می‌کنند با خودداری از اعمال قدرت شخصی، حکومتی ایجاد شود تا در سایه نیروی عظیم آن، نظم و عدالت را در تمامی امور تجلی کند. بر همین اساس و به منظور جلوگیری از تعرض و تجاوز قدرت خودساخته به آزادی‌های فردی، ضابطه‌ای به نام قانون پیش‌بینی می‌شود. قانون و به طور اخص قانون اساسی تعیین‌کننده حقوقی است که افراد برای خود حفظ کرده و در اعطای قدرت به دولت آنها را استثنا کرده‌اند. از آن جمله است حق انتخاب وکیل و برخورداری از توان و تخصص حقوقدانان در محاکم. تاکنون اقدامات گوناگونی در جهت محدود کردن این حق انجام شده است. در مقطعی از زمان، به‌رغم وجود نص قانونی تصمیم حاکم محکمه مانع حضور وکیل می‌شد و در حال حاضر نیز قانون عادی حق مزبور را محدود، مقید و مشروط کرده است. هنگامی که شخصی متهم به ارتکاب جرمی می‌شود، قوه حاکم با برخورداری از امکانات قضایی و انتظامی و بهره‌مندی از افراد متخصص درصدد اثبات جرم و اعمال مجازات برمی‌آید. حتی در فرض صحت ادعا و مجرم بودن شخص، عدالت ایجاب می‌کند دو طرف دعوی از حقوق و امکانات مساوی برخوردار باشند. هم‌چنانکه دستگاه قضایی جهت اثبات جرم از پشتوانه عظیم دادستان، دادیار، بازپرس و نیروهای انتظامی بهره می‌برد، متهم نیز باید بتواند حقوقدانی متخصص و مستقل را در کنار خود